

## همکاریهای عمرانی منطقه‌ای

روزنامه کیهان در شماره ۲۷ خرداد ۱۳۴۸ تحت عنوان «کفرانس عمرانی» ایران و چهار کشور آسیای شرقی تشکیل میشود. اطلاع میدهد که نمایندگان پنج کشور منطقه ای مرکب از ایران، افغانستان، پاکستان، هند و اتحاد شوروی کفرانس در دهلی نو تشکیل میدهند تا امکان همکاری دول این منطقه را بررسی کنند. . . . گاندی گفت: در تهیه طرح همکاریهای مشترک بین کشورهای نامبرده شوروی صرفاً نظارت داشته است. در همین خیر گفته میشود که کشورهای دیگر مانند سیلان و نیبال نیز ممکن باین کفرانس پیوندند.

اما روزنامه مرد مبارز در شماره ۱۸۸۷ خود دامنه این کفرانس را بسراسر آسیا بغیر از چین کمونیست توسعه میدهد و تحت عنوان «بازار مشترک آسیای شرقی» چنین مینویسد: «در هفته گذشته از مجرای ریپبلیک یک سلسله فعالیتهایی صورت گرفت تا قبل از اجرای طرح همکاری عمرانی آسیای شرقی، کشورهای این منطقه مبادلات و معاملات تجاری و بازرگانی خود را در آسیا با یکدیگر انجام دهند. متکین طرح هند و شوروی هستند و نظردولت ایران بر این است که این طرح در دو مرحله انجام گیرد. گفته میشود ایران با تشکیل یک بازار مشترک آسیای شرقی موافقت کرده است و البته در این بازار چین کمونیست عضویت نخواهد داشت. . . . در اینجا صحبت بر سر یک بازار مشترک آسیای شرقی است که کشور آسیای شرقی با هفتصد و پنجاه ملیون سکنه اش در آن شرکت ندارد. ولی اتحاد شوروی که یک کشور اروپایی است همراه با امریکای امریکائی از گردانندگان آنند. تو خود حدیث فصل بخوان از این مجمل!

روزیونیستهای شوروی که طرح همکاریهای عمرانی منطقه ای را در آسیا پیش کشیده اند و بدلالی نخست وزیر هند در نیبال تحقق آنند در واقع میخواهند سدی از دول ارتجاعی دست نشانده امپریالیسم در پیرامون چین توده ای ایجاد کنند. «همکاریهای عمرانی منطقه ای» فقط مقدمه ای برای ایجاد «سیستم امنیت مشترک آسیا» است که هر ژرف سردمدار روزیونیستهای کفرانس سران احزاب روزیونیست در مسکو طرح ساخت و سپس در نطق گرومیکو در شورای عالی اتحاد شوروی تکرار کردید. روزنامه ایوستیا مورخ ۲۰ ژوئن اعتراف میکند که «این همکاری (منظور همکاری اقتصادی منطقه ای است) شرایط مقدماتی را برای تشکیل سیستم امنیت مشترک این منطقه فراهم خواهد آورد». روزیونیستهای شوروی از امنیت کشورهای آسیا سخن بمیان میاورند اما باید دید امنیت در برابر کی؟ برای کی؟ بخاطر چه مفاهیدی؟ نمونه ایران برای هر بیننده ای روشن میسازد که امنیت یعنی حفظ رژیمهای جبار و دست نشانده امپریالیسم در این کشورها برای آنکه امپریالیستها و روزیونیستها بتوانند بفرغ بال بغارت این کشورها و استثمار مردم زحمت کش آنها بپردازند آنچه که امنیت این کشورها را بهمزد میسازد، آنچه که صلح را در این منطقه از جهان بخاطر میفکند امپریالیسم پیروز امپریالیسم امریکاست. این نکته ایست که امروز همه کن آنرا در مییابند. و درست بخاطر امنیت خویش و حفظ صلح است که توده های مردم این منطقه صلح طلبند و بدست گرفته و با امپریالیسم و سگان زنجیری اش میجنگند. علیرغم این واقعیت آشکار و عیان گرومیکو وزیر خارجه شوروی باز هم بر آنست که «در مسائل مربوط بحفظ صلح اتحاد شوروی و اتانوزنی می توانند زبان مشترکی بیابند». (سخنرانی ۱۰ ژوئیه در شورای عالی اتحاد شوروی). آری، اتحاد شوروی با بقیه در صر

# افتخار برآلبانی سوسیالیستی

از تاسیس جمهوری توده ای آلبانی ۲۵ سال میگذرد. ۲۵ سال میگذرد از زمانی که خلق دلاور آلبانی زیر رهبری حزب پیروزی تاریخی نائل آمد و جمهوری سوسیالیستی آلبانی را بنیاد نهاد. طی این مدت خلق آلبانی با زحم تحت رهبری حزب کار آلبانی که در راس آن رفیق انور خوجه، مارکسیست - لنینیست بزرگ قرار دارد پیروزیهای بزرگی را یکی پس از دیگری در پشت سر گذارده است. کشور کوچک آلبانی که زمانی زیر سلطه امپریالیسم قرار داشت و از عقب مانده ترین کشورهای اروپا بود امروز بیک کشور آزاد، مستقل و سوسیالیستی تبدیل شده است. خلق آلبانی که تا دیروز در زیر ستم وحشیانه رژیم های ارتجاعی قرار داشت امروز قدرت دولتی را در دست دارد، فرمانروای توانای کشور خویش است و با دستهای خود زندگی نوینی را برای خویش بنا مینهد. (انور خوجه)

آلبانی جدید سوسیالیستی اکنون دارای اقتصادی مدرن و شکوفان، آموزش و فرهنگی توده ای است و با کامیابی بلندی به سوی ساختمان کامل سوسیالیسم به پیش میرود. تولید صنعتی آلبانی طی ۳۰ سال گذشته بیش از ۴۴ برابر افزایش یافته است. در سراسر کشور موسسات صنعتی گوناگون از صنایع سنگین و استخراجی گرفته تا صنایع سبک پدید آمده و میآیند. شعب صنعتی تازه ای مانند صنایع فلزکاری و صنایع شیمیایی پابرسه وجود گذارده و میگذازند، مراکز بزرگ برق احداث شده و با در دست ساختمان است برای آنکه در پایان نقشه پنجساله جاری بسراسر کشور برق و انرژی برسانند.

## ایوان پی شکسته

امپریالیسم امریکا میکوشد تا سفرانسان بهما را نموداری از علم بیماری، علم برای علم، علم سود همه بشریت، مظهری از قدرت علمی و فنی امریکا و غلبه ناپذیری خود بشمار آورد و این وسیله خلقهای جهان را بغیرید، مجذوب و مرعوب گرداند و شکستهای پیاپی در کره زمین را با پیروزی در کره ماه جبران کند. روزیونیست شوروی در این معامله، هم رقیب و هم شریک است.

امپریالیسم جهانیست که حکومتها را میکوشد تا نظیر حکومت سوهارتو، موبوتو و محمد رضا شاه را بیاسداری از ظلمت بیسوا بی و بفرهنگی گماشته و در سراسر جهان راهزن پویندگان را مروض کند. است اینک دلسوخته دانش قلعه دار میشود! البته خبرگزاریها را دیوها و تلویزیونهای که سفرشگفت آمیز پلوی یازده را با شکل مختلف بکوش و دیده مردم گیتی میکشند از محافل که سرنخ را در دست دارند، از انحصار داران امریکائی که پرتاپ اپولو فقط وسیله ای از وسائل اجرای نقشه های آرزنده آنان است سخنی نمیکند. این دستگاههای تبلیغاتی وظیفه یوشاندن اینس حقیقت را دارند که در امریکای امروز بیش از همه جا و هر زمان علم تابع منافع ملیونها و ملیاردهاست. علم تکنیک امریکا در رجه اول مخلوق و مطیع وزارت جنگ امریکاست. در امریکائی نیکیون آجنان «آمیزه نظامی - صنعتی» بوجود آمده است که اعتراف ایزنهاور - «تطق خرد احمقانه» ۱۹۶۱ - «مفرد اقتصادی» سیاک و حتی فرهنگی آن در هر شهر، در هر مجلس قانونگذاری، در هر اداره مرکزی احساس میشود. پژوهشهای عمده امریکا تحت نظارت این «آمیزه نظامی - صنعتی» صورت میگیرد و در جهتی حرکت میکند که وی میطلبد. وزارت جنگ امریکا سالیانه هشت ملیارد دلار بصرف پژوهشهای علمی و بکار بردن نظامی آنها میرساند و قسمت مهم این مبلغ بدانشگاهها میرسد و - با اعتراف سناتور فولبرایت - استقلال آنها را نابود و روحیه علمی آنها را صخ میکند. دانشگاهها و مراکز عمده پژوهشی امریکا در زنجیر سرمایه مالی و بکاربری نظامی امریکاست.

انحصارهای امریکائی مردم ساده جهان را بدان دلخوش میدارند که بشر امروز پای بر کره ماه نهاده است ولی خود آنها در نحوشتی مادی تری دارند و آن اینست که ملیونها و ملیاردها دلار از محل سفارشهای سفینه های فضائی برگنجینه خون آلود

صنایع کشور اکنون پایه نیرومندی برای رشد اقتصاد و ارتجاطه کشاورزی است. کشاورزی اشتراکی و پیشرفته آلبانی با موفقیت کامل در راه رشد سوسیالیستی روان است. در نتیجه افزایش سطح کشت که قسمت عمده آن از طریق خشکانیدن مردابها تامین میگردد، بر نتیجه آبیاری و بکار بردن کود و ماشینهای کشاورزی، تولید زرا و دامپروری نیازمندیهای روزافزون اهالی و احتیاجات صنایع را سواد خاطر طور کامل بر میآورد.

همراه با رشد موزون و هماهنگ اقتصاد دگرگونیه ای بزرگی در زمینه آموزش و فرهنگ رویداده است. بیسوادی سنتی اکنون از کشور آلبانی رخت بر بسته، آموزش توده ای بمقیاس وسیعی گسترش یافته است. هنر و فرهنگ در اختیار توده های وسیع خلق است در کسبه شعب علم و هنر و فرهنگ کارهای فراوانی از محیط کار - کران و دهقانان بیرون آمده است.

این کامیابیهای درخشان خلق آلبانی آسان بدست نیامده، امپریالیسم و روزیونیسم در راه رشد اقتصادی و فرهنگی، در پیشرفت آلبانی بسوی سوسیالیسم موانع و مشکلات بزرگی ایجاد کردند، ولی خلق آلبانی همانگونه که انفعالگران فاشیست و دستیاران آنها را در هم کوبید و استقلال و آزادی خویش را بدست آورد، با فداکاری و از خود گذشتگی کم نظیری مشکلات و موانع را از پیش برداشت، استقلال میهن و دست آورد های سوسیالیستی را پاسداری کرد و همچنان در راه ساختمان سوسیالیسم پیشرفت.

شکره پنجم حزب کار آلبانی که در نوامبر ۱۹۶۶ تشکیل گردید مرحله نوینی را در ساختمان سوسیالیسم کشور، بقیه در صر

آنها اضافه شده است. همچنانکه کشف امریکا برای سرمایه داری آن عهد حنای دیگری جز کشف و غارت معادن طلا، چیاول و کشتار بید ریغ بومیان، غصب سرزمینها و توسعه برده داری نداشت در نظر سرمایه داری امروز نیز تسخیر کره ماه جز جستجوی منابع جدید ثروت، جز تحصیل وسائل جدید اسارت بشری و جنایات ضد بشری معنای دیگر ندارد. هم اکنون امپریالیستهای امریکائی از اینکه در کره ماه نشانه هائی از ماده کیمیا و کرانه های تیتان بدست آمده است در تب و تاب اند. هم اکنون چشمهای حریص امپریالیستهای امریکائی بر سرنگهای ارمان ماه دوخته است تا آرمایه های تحت نظارت «آمیزه نظامی - صنعتی» چه سود های جدیدی از آنها میتوانند برای جهانخواران استخراج کنند در جامعه طبقاتی هیچ علمی بدون خدمت طبقه معین وجود ندارد. علم امروز امریکا نیز در خدمت انحصارهای امریکائی است. امپریالیسم امریکا فقط تا آنجا و در آنجهت با تکامل علم میتواند موافقت داشته باشد که مصالح ارتجاعی وی ایجاد میکند. علم فقط با کستن زنجیرهای امپریالیسم میتواند براه بینهایت ادامه دهد. علمی که خود را از مردم جدا نمیکند، خود را از مردم دور نگه نمیدارد و آماده خدمت ب مردم است، آماده است تمام پیروزی های علم را در اختیار مردم بگذارد و با وظیفه و بطیب خاطر نه با اجبار ب مردم خدمت میکند. (استالین) فقط در جامعه سوسیالیستی قدم بعرضه میگذارد.

کره ماه و کرات دیگر ممکن است منابع جدیدی برای تجاوز - کاری امپریالیسم امریکا بدست دهند ولی هیچیک از اینها نخواهند توانست عمر سررسیده امپریالیسم امریکا را تضمین کند. برای شناختن ناتوانی امپریالیسم امریکا باید بزمین نگریت نه بماه. باید به ویتنام قهرمان نگریت که امپریالیسم امریکا را با تمام علم و تکنیکش با رند ان امتیض، بالای و کزافهای از زمین تا آسمانش بزانود آورد است. باید باین حقیقت نگریت که خطرات اجتماعی مسافرت راکترو نیکون آسیا و امریکای لاتین از خطرات سمای مسافرت فضا نوردان بکره ماه بیشتر است. باید با تیش فشانها بیکه در سراسر جهان در زیر پای امپریالیسم دهان باز کرده است نگریت. باید بنهخت انقلابی در امریکا و بویژه نهخت سیاهان نگریت. امپریالیسم امریکا از هرسو با بحرانهای کمر شکن روبروست. کسر بودجه امریکا در سال گذشته به ۲/۲۵ ملیارد دلار رسید. مجموعه اوراق بهاداری که دولت امریکا منتشر کرده است در مارس امسال هر ۳۵۹/۵ ملیارد دلار بالغ شد که تقریباً معادل بقیه در صر

# يك مقاله در دوجمله

حکومت ایران با صبر و ایستادگی و قاطعیت

روزنامه مردم فروردین ۱۳۴۸

همکاری اتحاد شوروی و ایران سال بسال قوس صعودی را میباید و هم اکنون بسیاری از رشته های روابط و ظرفه و مسائل مهم امور بین المللی را بویژه مسائلی مانند ... مبارزه بر ضد استعمار ... رافرا گرفته است. در اتحاد شوروی نسبت به خط مشی ایران دایره بیرونی از سیاست خارجی مستقل ملی... توجه کافی میدول میدارند.

از سخنان یادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی

نقل از روزنامه کیهان ۳ مه ۱۳۴۷

در اتحاد شوروی، سیاست خارجی ملی مستقل ایران را محترم میشمارند.

از نطق کاسیکین نخست وزیر شوروی

نقل از اطلاعات ۱۵ فروردین ۱۳۴۷

بر آمدند و توانستند بر پیکر نیروی جدیدی که رشد گرفته بود و میخواست به نبرد قاطع با رویزیونیسم ادامه دهد ضربه های جدی وارد آورند. این فرصت طلبان حتی توانستند روزنامه توفان را برای چندین ماه تعطیل کنند و میدان را برای رویزیونیستهای حزب توده ایران و شرکایشان خالی بگذارند.

انتشار دوره سوم توفان پس از تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان (۱۵ ژوئیه ۱۹۶۷) صورت گرفت. چنانکه دیده میشود سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان شمره مبارزات و کوششهای طولانی و تجارب گرانبها، شناختهای جدید، شناخت ضرورت تاریخی معین، مرموطی پیرویه مبارزه بود. سازمان توفان مانند قارچ از زمین نروئید و یک شبه بوجود نیامد. از این بررسی نتیجه گیری میکنیم: نقایص و انحرافات دوره دوم توفان ناشی از عدم تجربه کافی، ناشی از ذهنی گری، ناشی از عدم درک ضرورت شخص تاریخی و ناشی از آن بود که پس از جدائی از رویزیونیستهای حزب توده برای اولین بار بارنگار تازه ای دست برده میشد.

توفان دوره دوم با وجود تمام نواقص و خطاهای بزرگی که مرتکب شده در تاریخ جنبش کمونیستی ایران نقش مثبتی بازی کرده است. بالاخره همین توفان بود که سلوک را شکست و در مقابل رویزیونیسم قد علم کرد و راه را برای تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان هموار نمود. بطور کلی جهات مثبت فعالیت دوره دوم توفان عمده و جهات منفی آن اهمیت درجه دو داشته اند.

توجه باین واقعیت نیز مفید است که توفان در دوره دوم خود در جهت تکامل قدم برداشته است.

البته قضاوت دشمنان ما بنحو دیگری است. ما جهات منفی فعالیت دوره دوم توفان را از جهات مثبت آن تفکیک میکنیم در حالیکه دشمنانمان جهات منفی آن را مطلق میکنند. ما بتمام دوره دوم توفان استناد میکنیم در حالیکه آنها در جمله از آن دوره نقل میکنند و نقش مثبتی را که دوره دوم توفان بعهده داشته است بدست سلوک میسپارند و بدشنام توسل میجویند. ولی بقول لنین مرموشنام سیاسی همیشه روی عدم اصولیت ایدئولوژی، بیچارگی و ضعف و سستی، ضعف و سستی فوق العاده دشنام دهنده، سرپوش میگردد.

افتخار بر آلبانی... بقیه از ص... مرحله انقلابی در ایدئولوژی و فرهنگ و انقلابی کردن انسان و سراسر زندگی اجتماعی بمنظور برانداختن ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی در تمام ظاهر آن، تحکیم قدرت زحمتکشان و دیکتاتوری پرولتاریا و سرانجام پیروزی رسانیدن ساختمان سوسیالیسم.

مرحله نوین انقلاب تمام زمینه های فکری و اجتماعی را در بر میگیرد، مبارزه بخاطر آموزش و فرهنگ سوسیالیستی، مبارزه بخاطر آزادی اجتماعی و تساوی کامل حقوق زن. مبارزه با عادات و رسوم کهنه و برانداختن پایه مادی آنها. مبارزه با بوروکراسی و این مرحله از انقلاب بر این اصل پایه میگردد که مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم همچنان ادامه مییابد و نیروی محرکه عمده در تکامل جامعه سوسیالیستی است. مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی از اینجا ناشی میشود که طبقات استثمارگر که انقلاب آنها را از قدرت بزرگشیده ولی نابود نکرده است بزندگی خود ادامه میدهند و پیوسته در اندیشه بازگشت برزخی هستند که در آن بتوانند مانند ازمنه قدیم با استثمار توده های زحمتکش بپردازند، که گرایشهای خرده بورژوازی هنوز در جامعه موجود است بویژه در روستا بعزت مالکیت خصوصی دهقانان بر قطعه زمینی کوچک در کنار مالکیت اشتراکی آنها، که ایدئولوژی بورژوازی و فئودالی در جامعه کم و بیش باقی است و دشمنان سوسیالیسم برای بازگشت بگذشته از آن بهره برداری میکنند، که کشور آلبانی در احاطه سرمایه داری و رویزیونیسم است که هیچگاه از تحریکات و اغتشاش مادی و معنوی باز نمیایستند.

لزوم انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی از این عوامل ناشی میشود انقلابی که هدف عمده آن برانداختن ایدئولوژی بورژوازی و فئودالی از اذهان توده ها و نشانیدن ایدئولوژی و فرهنگ سوسیالیستی بجای آن و بر این اساس انقلابی کردن ذهن انسان و سراسر زندگی اجتماعی است، بدیهی است چنین انقلابی نمی تواند در دایره موسسات دولت سوسیالیستی محدود بماند و باید توده های وسیع مردم را در بر گیرد. رفیق انور خوجه اهمیت تاریخی این انقلاب را چنین توصیف میکند: "وظیفه تاریخی حزب ما در این است که باتکیه بر توده های کارگران، دهقانان، سربازان، کادرها و روشنفکران و باکشانیدن آنها بفعالیت انقلابی خلاق، انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی را بلا انقطاع تعمیق کند و آن را تا پایان به پیش برد. بر اساس این آموزش، انقلابی اندیشیدن، انقلابی کار کردن، انقلابی زیستن" شعار است که در سراسر آلبانی بمرحله تحقق در میآید.

جمهوری توده ای آلبانی با مبارزه پیگیر و بی امان خود علیه ارتجاع امپریالیسم و رویزیونیسم با افشا، سانس و نقظه های شوم و ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای تسلط بر جهان، با پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه از مبارزات خلقهای جهان بخاطر آزادی، استقلال و سوسیالیسم توجه توده های زحمتکش را بخود معطوف داشته و در صحنه بین المللی، در نبرد خلقهای انقلابی بحق اعتبار و احترامی شایسته بدست آورده است، دولت سوسیالیستی آلبانی تجاوز رویزیونیست های شوروی را بچکسلواکی شدیداً محکوم ساخت و از مبارزه خلق این کشور علیه اشغالگران عمیقاً پشتیبانی کرد، دولت سوسیالیستی آلبانی ماهیت پیمان ورشو را که اکنون به آلت تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی علیه خلقهای ممالک شرق اروپا مبدل گردیده نشان داد و خود را از آن کنار کشید و با این اقدام تاریخی خود ضربه سختی بر پیمان تجاوزگاران ورشو وارد آورد.

جمهوری توده ای آلبانی اکنون مانند مشعلی فروزان در اروپا میدرخشد و راه پیروزی انقلاب و پیروزی سوسیالیسم را به خلقهای انقلابی جهان نشان میدهد. ما بیست و پنجمین سال حیات پرافتخار جمهوری توده ای آلبانی را بخلق قهرمان آلبانی نهنیت میکنیم و یقین داریم که خلق آلبانی در راه ساختمان کامل سوسیالیسم بگامیابیهای تازه و تازه تری نائل خواهد آمد.

افتخار بر جمهوری توده ای آلبانی که پرچم سوسیالیسم را در اروپا همچنان برافراشته نگاه میدارد.

کامیاب باد خلق آلبانی در پیکار بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم. زنده باد رفیق انور خوجه پیشوای گرامی حزب کار آلبانی و مارکسیست - لنینیست بزرگ.

باز هم درباره تاریخچه... بقیه از ص... انقلاب ملی و دموکراتیک مطرح گردید. از این پس یک نوع دو-کاسکی بارزی در مطالب توفان بچشم میخورد.

در همین موقع جزوهای بموازات شماره ۱۴ توفان بنام "سبک زهنی در تفکر و عمل" انتشار یافت. در مقدمه ای که با مضامین "حوانان مارکسیست - لنینیست - همکاران نشریه توفان" نوشته شده چنین میخوانیم: "بنظر ما پراکندگی عیانی که در این زمانه سیروهای چپ علاقمند به مارکسیسم - لنینیسم را از کار مبارزه حادق توده های باز داشته است فقط و فقط منوط به عدم درک عمیق و صحیح اکثریت قریب باتفاق این نیروها از ماتریالیسم دیاکتیک و ماتریالیسم تاریخی است. ما در کار خویش هنوز گرفتار شیوه تفکر زهنی و برداشتهای اشتباه آمیز هستیم".

انتشار این جزوه که بر اساس تجربه حزب کمونیست چین نوشته شده بود کامیابی در راه مشخص کردن خط مشی توفان در آن زمان بشمار میرفت.

بند ریج دوگانگی و تضاد درونی توفان شدت میگرفت. در مقابله در سال گذشته (شماره ۱۲ دوره سوم توفان) تحت عنوان "تاریخچه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان" نکاشته شد درباره این تضاد چنین میخوانیم: "در داخل سازمان مبارزاتی که علیه راست روی آغاز شده بود شدت گرفت. تضاد برای انتخاب دو راهی که آیا توفان بشیوه منززل گذشته خویش ادامه دهد و یا صریحاً خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند و بخود جرات دهد که در این راه بجارزه و بسیج توده ها بپردازد... مبارزات درونی توفان روز بروز بیشتر موجب روشن شدن راه روزنامه و اتخاذ خط مشی صریح مارکسیستی لنینیستی گردید. برای نمونه میتوان از مقدمه ای که روزنامه توفان بر اعلامیه رفقا سمائی، فروتن، قاسمی نوشت یاد کرد. در آنجا چنین میخوانیم: "امروز جنبش رهائی بخش میهن ما برای برانداختن سطح استعمار و استثمار، احتیاج به رهبری یک سازمان واحد اصل مارکسیست - لنینیست یعنی احیا حزب سیاسی طبقه کارگر دارد". در این مقدمه به رویزیونیسم حزب توده ایران صریحاً حمله شد و تصمیمات پلنوم یازدهم کمیته مرکزی شدیداً محکوم گردید. این مبارزه ضد رویزیونیستی همچنین در مقدمه ای که در شماره ۱۹ برنامه رفیق قاسمی نوشته شده بود تعقیب گشت. علاوه بر این بموازات شماره ۱۹ جزوه آموزش خود را از نو بسازیم اثر ارزنده رفیق مائوتسه دون انتشار یافت و در مقدمه ای که برای آن نوشته شده بود از "انتقاد سازنده و راهنمایی های موثر رفیق مائوتسه دون" تجلیل گردید.

البته هنوز نوساناتی در روزنامه توفان (دوره دوم) بچشم میخورد ولی سمت حرکت این روزنامه هر روز اصولی تر و مبارزه بی استوارتر میشود.

شماره ۲۲ توفان نقطه عطفی بود. در این زمان کسانی که در اشتباهات و نوسانات گذشته اصرار ورزیده بودند یا بجهت صحیح کشانده شدند و خود را در اختیار خط مشی مشخص جدید قرار دادند و یا اینکه برای همیشه از توفان روی گردانیدند. بهترین نشانه حل صحیح تضاد در جهت مارکسیسم - لنینیسم مقالات متعددی است که در شماره های ۲۲ تا ۲۶ (آخرین شماره دوره دوم) مایه سر بلندی روزنامه توفان است.

در اینجا چون مبارزه با راست روی به پیروزی رسیده بود خطر چپ روی بوجود آمد. عده های سودجو و فرصت طلب با سوء استفاده از شور انقلابی رفقای که از مبارزه با راست روی با موفقیت بیرون آمد میبودند در صد انحراف توفان بسوی دیگر

## خوانندگان گرامی!

توفان را از خود جدا ندانید. توفان روزنامه شماست. بیانگر اندیشه ها و خواسته های شماست. در کار توفان شرکت ورزید. کمک به توفان را وظیفه خود بشمارید. پیوسته در این فکر باشید که ارسال خبر و مقاله برای توفان بعهده شما نیز هست. پرداخت و جمع آبرتمان و اعانه ضامن مادی بقای توفان است.

"خلق های جهان، ضد شوید تا تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها را از پای در آورید. همینکه خلقها بفرمان همت خویش عمل کنند، جرأت پیکار داشته باشند، از دشواریها نهراسند، بصورت امواج پیپایی به پیش روند سراسر کیتی از آن آنها خواهد شد. همه دیوان نابود خواهند گشت."

مائوتسه دون

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

# جنگاور ضد امپریالیستی

خبرگزاریهای خارجی خبر دادند که ناو ۱۵۰۰ تنی شوروی موسوم به آرنا روز ۱ ژوئن وارد بندر امریکائی ساتلسی شد تا نهمین تن تیان خام که ماده استراتژیک است و شوروی به امریکا فروخته بشود بکشور اخیر تحویل دهد.

تیان فلز کمیابی است. بسیار محکم و بسیار سبک است. برای هواپیماسازی ضروری است و بطوریکه مطبوعات امریکا می نویسند امریکا از حیث این ماده غالباً در مضیقه است. تیان شوروی پس از تصفیه در صنعت هواپیماسازی امریکا در برنامه فضانوردی دفاعی امریکا بکار خواهد رفت.

بطوریکه یکی از کارمندان خبرگزاری امریکا اظهار داشت پس از نوزده سال این نخستین بار است که یک ناوشوروی دریکی از بندر امریکا باراندازی میکند. نخستین بار پس از نوزده سال داروسته رویزیونیست شوروی مصلحت دیده است که این تیان را که امریکا از حیث آن غالباً در مضیقه است و برای امریکا جنگ تجاوز امریکا ضروری است بوی تحویل دهد. از اینجایی توان فهمید که رویزیونیست های شوروی چقدر نسبت با امریکائی های امریکائی دوستی و توجه دارند.

... رویزیونیستهای شوروی از یک سو تمام کوشش خویش را بکار میبرند تا بر همکاری با امپریالیسم امریکا بیافزایند و بایکدیگر به سانس تولید مشغول باشند و از سوی دیگر قیافه جنگ آوران "ضد امپریالیست" بخود میگیرند. آنها در این اواخر بمنظور نگاه تبه کارانه ناکهان بدجنالهای ضد امپریالیستی پرداختند و در باره "حضر جنگ جدید جهانی" سینه چاک زدند. ولی در عین حال از اقبانوسها گذشتند تا فلز استراتژیک تیان را که برای امریکا گرانبهاست بحضور وی تقدیم دارند.

این حادثه نشان میدهد که داروسته مذکور که خود را "ضد امپریالیست" جاسوزند با امپریالیسم امریکا در تیان است. جنجال های وی درباره "خطر جنگ" جز کوشش در راه آماده ساختن افکار عمومی برای سیاست تجاوزکارانه سوسیال امپریالیستی خویش چیز دیگر نیست. منظور این داروسته از "عمل مشترک بر ضد امپریالیسم" در واقع "عمل مشترک با امپریالیسم" است.

این اقدام رویزیونیستهای مرتد شوروی ماهیت سوسیال امپریالیستی آنها را عریان میکند. خائنان کرملن بکلیت بخلق ویتنام در جنگ مقاومت در برابر تهاجم امریکا و نجات ملی تظاهر میکنند و سلاحهای کهنه ای بوی تحویل میدهند و در همان حال برای امپریالیسم امریکا تیان میفرستند تا در ساختمان هواپیماهای مدرن که در کشتار خلق ویتنام مورد استفاده قرار میگیرند بکار رود. آیا این امر نشان نمیدهد که این داروسته بدنیال امپریالیسم امریکا روانست و چیز دیگری جز مشتق سوسیال امپریالیست نیست؟ رویزیونیست های شوروی با مواضعه با امپریالیسم امریکا جنایات بسیاری مرتکب شد. اند و آنها را خلقهای جهان بدون کفر نخواهند گذاشت.

پکن انفورمسیون شماره ۷۷

# توفان و خوانندگان

"همینکما هنامه ای دائر شد باید کار آنرا جدی گرفت و خوب اداره کرد و از این حیث نویسندگان و خوانندگان مجله مسئولیت مشترک دارند. خوانندگان باید نظریات خود را بیان کنند و در طی نامه های کوتاه و مقالات کوچک بگویند که چه چیز را میپسندند و چه چیز را نمیپسندند. این یگانه راه تأمین موفقیت ماهنامه است."

ماتئوسه دون

● عنوان جدید مکتوبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
● چاپ پسانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
● MILANO / ITALY

ایوان بی شکسته . . . . . بقیه از ص ۱ دریافتی مالی دوستانه امریکاست. تفاوت فاحشی که طی سالهای متوالی در عوائد و مخارج امریکا در عرصه بین المللی بوجود آمده موجب تحریف و تقلیل فاحش ذخایر طلای امریکا شده است. از سال ۱۹۵۸ ذخیره طلای امریکا بنصف رسیده و اینک اندکی بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار یعنی کمتر از نصف ذخیره طلای امریکا در ۱۹۴۹ است و برای پرداخت یک سوم قروض خارجی کوتاه مدت وی بد دلار (متجاوز از ۳۳ میلیارد دلار) هم کافی نیست. آن "امپراطوری دلار" که در سالهای پس از جنگ از میان دنیای آشفته سرمایه داری سرافراشت اینک در پرداخت وامهای خویش در مانده است. امپریالیسم امریکا در عرض ۱۶ سال (از پایان جنگ تا ۱۹۶۱) بچهار بحران اقتصادی گرفتار آمد و محافل حاکیه امریکا بمنظور کاهش نتایج وخیم بحرانها مذکور با افزایش هزینه های نظامی دست زدند و بجنگ تجاوزکارانه بر ضد ویتنام پرداختند. ولی تاثیر اینگونه اقدامات موقتی است و هم اکنون تولید در رشته مهم اقتصاد امریکا یعنی فولاد انحصیل و ساختمان در حال رکود و حتی کاهش است.

امپریالیستهای امریکا میکوشند که با بحران اقتصادی روبرو رقیبان امپریالیست خویش و بویژه بر دشمنان خلقهای جهان بیاندازند. جنگهای تجاوزکارانه آنها و دسیسه چینی آنها برای جنگ جهانی دیگر از این تلاش مذبحانه سرچشمه میگیرد. ماهیت امپریالیسم امریکا و سیاست روزانه او روز بروز بیشتر باعث انفراد او و محاصره او در حلقه خلقهای جهان میگردد. آنروز که خلقهای جهان، و از آنجمله خلق امریکا، امپریالیسم را بکنند و راه را برای پرواز بشر بدنیای سوسیالیسم، برای ورود بجهان آزادی، برای سیر در عرصه بیکران دانش بکشایند دور نیست.

رویزیونیستهای شوروی سالهاست میکوشند نفوذ خود را در ایران توسعه دهند و راهی که برای اینکار برگزیده اند راه همکاری با امپریالیسم و پشتیبانی از طبقات حاکیه کنونی و در رأس آنها شاه، راه دفاع از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران است. طرح همکاری منطقه ای ایران و چهار کشور دیگر آسیای نیرنگ تازهای برای بسط و تعمیق این نفوذ است. اکنون کشور ما بیکار دیگر از شمال و جنوب در زیر سلطه دو قدرت بزرگ قرار میگیرد. بیکار دیگر تاریخ تکرار میشود. در دوران پیش از انقلاب اکثر تزارهای روسیه از شاه مستبد و خونخواری مانند محمدعلیشاه پشتیبانی میکردند و وی را در سرکوب آزادی و انقلاب یاری مینمودند. امروز رویزیونیستهای شوروی از محمدشاه که بمراتب خیانتمکارتر، جنایتکارتر و فاسدتر از محمدعلیشاه است، در قبال خلق ستم دیده میهن ما حمایت میکنند، در گذشته خلق ایران بانبرد قهرمانانه خود محمدعلیشاه را از اریکه سلطنت بزرگشید و خلق قهرمان روسیه سلطنت تزاری را سرنگون ساخت و قدرت را بدست طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سپرد. اکنون سرنوش محمد رضاشاه و تزارهای نوین روسیه جز این نتواند بود.

آنچه که مربوط بمحاصره چین کبیر بوده ای است کافی است باز هم ضروری تاریخ افکنیم پس از انقلاب فرانسه در قرن هجدهم دولت های فتوالتی و ارتجاعی اروپا و از آنجمله تزارهای روس اتحاد مقدسی تشکیل دادند برای آنکه از بسط افکار انقلابی در کشورهای اروپا جلو گیرند و آتش انقلاب را در هر منطقه ای که شعله ور کرد خاموش سازند. اما این اتحاد نامقدس نه از بسط افکار انقلابی جلو گرفت و نه توانست سدی در برابر انقلاب روسا ایجاد کند. پس از انقلاب کبیر اکثر امپریالیستها که از سرکوب انقلاب ناامید شدند کوشیدند در برامون کشور جوان شورواها "سیر دفاعی" از حکومت های ارتجاعی و فاشیستی بسازند که حکومت رضاخان یکی از حلقه های آن بود. تاریخ نشان داد که با چنین سدهائی نمیتوان امواج نیرومند و خروشان انقلاب پرولتاریائی را مهار کرد. انقلاب پرولتاریائی چین پیروز گردید. این بار امپریالیسم امریکا از طرح دلسرد گرفت. کشورهای از جنوب شرقی آسیا را طبع جمهوری توده ای چین در پیمان سیتوگر آور اما از این پیمان هم کاری ساخته نشد و امواج انقلاب سراسر این کشورها را فراگرفت. اکنون رویزیونیستهای شوروی برای محاصره چین توده ای و سرکوب آتش انقلاب در این کشورها از طرح دلس الهام میگیرد. آیا سرنوش بهتری از سرنوش دلس در انتظار آنها است؟

همکاریهای عمرانی . . . . . بقیه از ص ۱ امپریالیسم امریکا این آتش افروز جنگ، میتواند برای "حفظ صلح" زبان مشترکی بساید. علت آنهم این است که رژیم کنونی شوروی با رژیمی که در امریکا برقرار است تفاوت ماهوی ندارد. و این دو قدرت بزرگ هر دو در سرکوب خلقهای انقلابی جهان و حفظ آرامش و نظم موجود مافع مشترک دارند. آنها بنام "حفظ صلح" مبارزات انقلابی توده هارا هدف میگیرند و بنام "امنیت" ادامه اسارت خلقهارا در نظر دارند. کوشش در متحد ساختن دولت های دست نشانده و ارتجاعی آسیا که در گذشته با دست امپریالیسم امریکا صورت گرفت و امروز رویزیونیستهای شوروی در زیر نام "سیستم امنیت مشترک آسیا" یا "سیستم همکاری منطقه ای" سرهم بندی میکنند از همین نیت پلید و ضد انقلابی سرچشمه میگیرد.

درست در موقعی که از پیمانهای تجاوزکارانه ای نظیر سنتو سیتو، ناتو جز نامی بیش نمانده و تضادهائی از درون، ایسن پیمانها را تحلیل میبرد، درست در موقعی که رویزیونیستهای ایرانی در ارکانهای تبلیغاتی خود هنوز هم دولت ایران را بخروج از پیمان منطقه ای سنتو فرامیخوانند، سوسیال امپریالیستهای شوروی در پی ایجاد پیمانهای منطقه ای تازه ای برآمده اند و از این لحاظ در جای پای امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی کام برمی دارند. آنها در اتخاذ این سیاست از مرحوم دلس الهام میگیرند و میکوشند پیمان آسیائی او حیات تازه ای ببخشند.

هدف رویزیونیستهای شوروی از ایجاد "سیستم همکاری اقتصادی منطقه ای" و "سیستم امنیت مشترک آسیا" در درجه اول اینست که در برامون چین توده ای، این مرکز انقلاب جهانی، زنجیری از دول ارتجاعی و دست نشانده بوجود آورند و مانع از نفوذ اندیشه های انقلابی باین کشورها گردند و در درون این کشورها توده های انقلابی را که هم اکنون در بسیاری نقاط با نیروی اسلحه بخاطر رهائی خویش از قید استثمار و استعمار به نبرد قهرمانانه ای برخاسته اند سرکوب کنند. امروز هر کس که اندک در کار سیاست وارد باشد بسهولت درمییابد که منظور سران شوروی از "سیستم امنیت مشترک در آسیا" ایجاد یک "سپر دفاعی" در برابر چین توده ای است. روزنامه کیهان در شماره ۲۹ خرداد ۱۳۴۸ ضمن مقاله در این زمینه چنین مینویسد: "شوروی اکنون میکوشد تا کشورهای نظیر هند را که در گذشته از شرکند ریسمان های نظامی پرهیز میکردند متقاعد سازد که تحت حمایت مشترک امریکا و شوروی و در پناه تضمین های موثر این دو قدرت بزرگ در تداوم دفاعی تازه ای که بالقوه میتواند چین کمونیست را محاصر کند شرکت نمایند. . . . و کمی دورتر: "حمایت شوروی از یک پیمان دفاعی بین کشورهای آسیائی اطراف چین که همه آنها در مناسبات تولیدی سرمایه داری بسر میبرند خواه ناخواه دفاع از وضع موجود روابط اجتماعی و اقتصادی این کشورهاست، در چین روابط اجتماعی و اقتصادی خود را بر اساس ضوابط سوسیالیسم تنظیم کرده است."

رویزیونیستهای شوروی از اینکه در کشورهای آسیا آتش انقلاب مانند ویتنام شعله زند و گسترش یابد در هراس اند و آنها خواستار بقای وضع موجود اند تا بدون دغدغه و تشویش بهم زیستی مسالمت آمیز با امریکا تحقق بخشند و با همکاری وی بظامع آزمندانموتو صیانه خویش جامه عمل ببوشانند.

رویزیونیستهای شوروی در عین حال میخواهند باتشکیل چنین سیستم هائی در غارت این کشورها دست بازتری داشته باشند و هرچه بیشتر و آسانتر در تاراج این کشورها سهیم گردند و تا آنجا که بتوانند در سیاست این کشورها نفوذ کنند و آنها بسود مقاصد ضد انقلابی خویش بگردانند.

استه مبادلات و معاملات تجارتنی و بازرگانی میان کشورهای آسیا خوب بخود عاملی است که باین کشورها امکان میدهد اقتصاد خود را بر اساس تساوی حقوق و امتیازات مقابل بسط و توسعه دهند. اما آن سیستم همکاری اقتصادی که الهام بخش و گرداننده آن امپریالیستها یا سوسیال امپریالیستها باشند نمره ای جز تاراج منابع طبیعی و دسترنج خلقهای این کشورها ببار نخواهد آورد. شورای تعاون اقتصادی "کشورهای اروپای شرقی" که رویزیونیستهای شوروی آنها وسیله غارت این کشورها در اروپا و جمهوری مولدستان در آسیا قرار داده اند در برابر ما است.

# درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

# توفان

## سرمایه‌های ژاپنی در کشاورزی ایران

یکی از خوانندگان روزنامه توفان شماره ۲۰ فوریه (۱۹۶۹) روزنامه ژاپنی می‌نویسد: «بزرگان انگلیسی (را بنامست خبری که آن روزنامه درباره نفوذ سرمایه‌های انحصاری ژاپن در روستای ایران درج کرده برای ما فرستاده است. این خبر نشان دهنده آنست که رژیم محمد رضاشاه چگونه کشور ما را در معرض غارت امپریالیستها گذاشته و آنها بیش از پیش استعمال زده ساخته است. از این جهت ما ترجمه خبر را از نظر خوانندگان گرامی توفان میگردانیم».

نشر کمیایی بزرگ ژاپنی مشغول تهیه طرحی هستند تا در زمینه رشد کشاورزی در ایران (بخوانید رشد سرمایه داری غارتگر ژاپنی - توفان) اقدام مشترکی بعمل آورند. آنها صرح خود را در ماه آینده بموقع اجرا خواهند گذارد. بر طبق این طرح، کمیایی جدید در منطقه دز در جنوب کشور به کشت پنبه و علوفه و در منطقه کیلان، به کشت برنج خواهد پرداخت و قسمتی از محصول برنج را به ژاپن صادر خواهند کرد.

کمیائیا در نظر دارند در صورتیکه طرح آنها در ایران موفقیت آمیز از آب درآید آنرا به مناطق دیگر خاورمیانه گسترش دهند. بعضی از این کمیائیا طرح هائی برای رشد کشاورزی در کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند اندونزی، تایلند، ویتنام جنوبی ریخته اند. ولی اقدام کنونی در ایران حتمی اقدام آنها در قاره آسیا خواهد بود.

دولت ایران تصمیم گرفته است کشاورزی را رشد دهد زیرا که کشور نمیتواند پایه اقتصادش را فقط بر نفت بنا کند. ایران از کمیایی نی هون کوسی تقاضا کرده است که کمک مالی خود را برای کشت برنج در ایران توسعه دهد. این کمیایی در ماه مارس سال گذشته مزرعه نمونه‌ای بمساحت هشتصد هکتار در منطقه کیلان ایجاد کرد که قدم اول در راه اجرای طرح جدید بشمار می‌رود و مورد پشتیبانی کامل دولت ایران است.

بر طبق نقشه رشد اقتصادی، ۱۲۵۰۰۰ هکتار زمین به کشت پنبه و علوفه اختصاص داده خواهد شد. در آغاز در منطقه دز ده هزار هکتار زمین زیر کشت خواهد رفت و برای این کار ۱۸۰ میلیون دلار سرمایه لازم است که از طرف دولت ژاپن و ایران پرداخت خواهد گردید. سطح کشت در چند سال آینده در اثر ساختن سد ی بر روی رودخانه محلی و افزایش امکانات آبیاری بالا خواهد رفت. با افزایش سطح کشت، گندم، میوه و درخت نیز کشت خواهد شد. ژاپن ماشینهای لازم برای این طرح به ایران صادر خواهد کرد و هر ساله محصولی به ارزش ۵ میلیون دلار به ژاپن خواهد برد.

همچنین در منطقه کیلان قریب ده هزار هکتار به تولید برنج اختصاص داده خواهد شد. برای اینکار ۵ میلیون دلار سرمایه لازم است که پنج میلیون آنرا ژاپن تأمین خواهد کرد. از آنجا که مصرف برنج طی سالهای اخیر در ایران افزایش یافته محصول برنج ده هزار هکتار مذکور در خود ایران مصرف خواهد رسید.

کمیائیهای ژاپنی برآنند که رشد کشاورزی ایران باعث میگرد که امکانات برای افزایش واردات ژاپن از ایران بیشتر شود. باید توجه داشت که تجارت دو کشور در سال گذشته متعصبود ژاپن بوده است: ژاپن محصولات با ارزش ۵۶۰۰ میلیون ریال به ایران صادر کرده در حالی که فقط ۳۷۰ میلیون ریال از ایران واردات داشته است.

دولت ایران که خزانه‌اش از عایدات نفت سرشار است توجه زیادی به موازنه تجاری با ژاپن ندارد. ولی در همدست که هرگاه صادراتش به ژاپن زیاد شود واردات خود را از این کشور باز هم افزایش دهد.

## باز هم درباره تاریخچه

### سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

نیز با همین شیوه صورت می‌پذیرفت.

ناشرین دوره دوم توفان به مسئله وحدت نیروهای ملی بر-خوردی چنان عجولانه و ندانسته داشتند که برای تحقق آن تاسیس "جنبش سی تیر" را در شماره هفتم دوره دوم اعلام کردند و "همه نیروهای مبارز و شرقی" را بشرکت در آن فرا خواندند و قول دادند که "برنامه مبارزات" خود را "از طریق تشکیلاتی که مناسب با وضع خاص مبارزه" باشد اعلام نمایند. البته تحقق وحدت کلیه نیروهای مبارز و شرقی در شرایط مبارزه ما بدون وجود قلبی سازمان مارکسیستی - لنینیستی غیر ممکن است و اگر هم احیانا امکان پذیر باشد وحدتی غیر اصولی خواهد بود. خود ناشرین دوره دوم توفان نیز بزودی باین حقیقت پی برده پس از شماره چهارم هم اصولا شعار "جنبش سی تیر" را از روزنامه حذف کردند.

مبارزه با رویزیونیسم که علی القاعده میبایستی عمده فعالیت توفان را تشکیل دهد، در نخستین شماره‌های دوره دوم این روزنامه تقریبا از قلم مینافتاد. در شماره ۹ این روزنامه برای اولین بار رویزیونیسم خروشی می‌مورد انتقاد قرار گرفت و آمده بغیه در ص ۲

دو سال از تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و انتشار دوره سوم توفان میگذرد. سازمان ما علی دو سال گذشته با وجود دشواریهای عظیمی که در پیش داشت، توانست با اتکا به صداقت، صمیمیت و پشتکار اعضا و هواداران سازمان پرچم مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون را برافراشته نگاه دارد.

دشمنان ما برای حمله به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان غالبا بیرونده دوره دوم روزنامه توفان را به پیش میکشند تا به کمک نقاص ضعف آن همه چیز گذشته، حال و آینده سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان را نفی کنند. ما خود بدین نقاط ضعف در حد خود واقفیم و مدتهاست از آنها نتیجه گیری کرده ایم. روزنامه توفان در شماره اول دوره سوم بطور کلی به این نقاط ضعف برخورد نمود و در شماره ۱۲ ضمن بیان تاریخچه توفان چنین نوشت: "تاسفانده روزنامه توفان (دوره ماقبل سازمان مارکسیستی - لنینیستی) نه توانست مشی روشن و بی تزلزل تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارهای مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلب مارکسیست - لنینیستها و سایر انقلابیون ایران باشد با اعلام شعارهای عام دموکراتیک اکتفا میکرد." این نقاط ضعف در داخل سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان نیز بارها مورد رسیدگی و انتقاد قرار گرفته است بطوریکه امروز در این سازمان هیچ عضوی نیست که این نقاط ضعف را مورد حمایت قرار دهد. ایک بنامست سومین سال تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بفعالیت دوره دوم روزنامه توفان نظری میافزاییم: پس از چیرگی رویزیونیسم بر حزب توده ایران، عناصر وفادار به مارکسیسم - لنینیسم از آن بریدند و پشتگلدن مجدداً کاشتند. بهمین منظور دوره دوم روزنامه توفان با عده قلیلی آغاز انتشار نهاد. توفان نخستین روزنامه‌ای بود که پس از چیرگی رویزیونیسم بر حزب توده ایران از جانب کسانی که از رویزیونیسم بریده بودند انتشار یافت. انتشار توفان فی نفسه گام مثبتی بود زیرا سیج فعال و آگاهانه نیروها بدون وجود یک نشریه سیاسی ممکن نبود و نیست. کسانی که لزوم انتشار چنین نشریه‌ای را نفی میکردند دانسته یا ندانسته میدان را برای ارگانهای تبلیغاتی رویزیونیستها حالی میگذاشتند. ناشرین توفان با وجود اشکالات فراوان میخواستند هر طور شده به نبرد با اپورتونیستها ی توده ایران بشتابند. بدیهی است که مبارزه با اپورتونیستها ی حزب توده ایران و تجهیز نیروهای انقلابی بدون دفاع نیرومند از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون میسر نیست. ولی دوره دوم روزنامه توفان در نخستین شمارهای خود نتوانست به این حقیقت حامه عمل بیوشاند و تا چندی با اعلام شعارهای عام دموکراتیک اکتفا میکرد. در این دوره روزنامه توفان مبارزه علیه ارتجاع و رژیم محمد رضاشاه با شدت فراوان بچشم میخورد و خوانندگان مجاهدت در راه سرنگونی حکومت محمد رضاشاه و حامیان امپریالیستش دعوت میکرد بدند ولی برای تبلیغ این اید از زبان تدین و عرفان استفاده میکشت. دفاع از خلق و ویتنام، دفاع از زندانیان سیاسی و دفاع از نیکخواه و یارانش (که روزنامه توفان بعنوان اولین نشریه سیاسی بدان پرداخت) و امثالهم

## مسئله ملی

"مسئله حقوق ملتها مسئله ای منفرد و مستقل نیست بلکه جزئی است از مسئله عمومی انقلاب پرولتری. تابع کل است و اقضا میکند که از نقطه نظر کل مورد بررسی قرار گیرد.

لنین میگوید: "مسائات خاص دمکراتیک، و از آن جمله حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، مطلق نیست بلکه جزئی از جنبش عام دمکراتیک (و امروزه: سوسیالیستی) جهانی است. ممکن است که در موارد جداگانه مشخص جز با کل در تضاد افتد. در آنصورت باید از جز صرف نظر کرد."

چنین است وضع مسئله جنبشهای جداگانه ملی. استالین - راجع باصول لنینیسم

## سوسیال امپریالیسم

لنین سوسیال امپریالیسم را چنین توصیف میکند: "سوسیالیسم در گفتار، امپریالیسم در کردار، تبدیل اپورتونیسم با امپریالیسم" در باره مواظفات سوسیالیسم

مارویزیونیست های شوروی را بهمین معنی سوسیال امپریا - لیست مینامیم.

رفیق لنین پیانو در گزارش بکنگر نهم حزب کمونیست چین درباره آنها چنین گفت:

"از هنگامیکه برنزق بقدرت رسیده امر و نهی دارو دسته مرتدان رویزیونیست شوروی بیش از پیش، بی اثر شده و مشکلات داخلی و خارجی آنها روزافزون گردیده است. از این جهت دارو دسته مذکور با سخائی شدید تری بسوسیال امپریالیسم سوسیال فاشیسم موصول میشوند، در داخل شوروی فشار بر خلق را افزا میدهند و احیا سرمایه داری را در کلیه عرصه ها تسریع میکنند در خارج شوروی شعوبت سازش خویش با امپریالیسم امریکا دست میزند، سرکوب مبارزه انقلابی خلقهای ممالک مختلف را شدت می بخشد، نصارت خویش را بر چندین کشور اروپای شرقی و جمهوری توده ای مونسان تحکیم و انتشار آنها را شدید میکند، در قیام کردن خاورمیانه و مناطق دیگر با امپریالیسم امریکا درگیر است و کشور ما را بیش از پیش در معرض تهدید بتجاوز قرار میدهد. اعزام صد ها هزار سرباز برای اعمال چکسلاوکی و تحریکات مسلحانه در جزیره حینی حسن پیکسو، و اقدام عجیبی است که اخیرا از این دارو دسته بظهور رسیده است. این دارو دسته متعصب طور تیرت اعمال تجارکارانه و غارتگرانه خویش بترویج نشوری حاکمیت محدود، در یکاتوری بین المللی، و ممالک مشترک المنافع سوسیالیستی، دست زده است. ولی معنای این ترهات چیست؟ معنائش فقط ایست که حاکمیت شما محدود است و حاکمیت وی نامحدود. و اگر در صدد سرپیچی برآئید آنگاه وی نسبت بشما در یکاتوری بین المللی، اعمال میکند، یعنی در یکاتوری که نسبت بخلقهای عده ای از ممالک، اعمال میشود تا ممالک مشترک المنافع سوسیالیستی، تحت سلطه تزارهای جدید بوجود آیند، بعبارت دیگر ممالکی که مستعمره سوسیال امپریالیسم اند نظیر "مطمینون اروپا" که همسر بارمغان آورد، نظیر "منطقه عمران مشترک آسیای بزرگ خاوری" تحت سیادت میلیتاریستها ی ژاپنی و نظیر "ممالک مشترک المنافع جهان آزاد" تحت اسارت امریکا. لنین مرتدان انترناسیونال دوم را با این عبارت میگوید: "سوسیالیسم در گفتار، امپریالیسم در کردار، تبدیل اپورتونیسم به امپریالیسم". امروز این عبارت بهتر از همه وقت در باره مرتدگان رویزیونیست شوروی صدق میکند. . . ."